

وام‌گیری واژگانی از منظر رده‌شناسی زبان

شهین نعمت‌زاده (پژوهشکده علوم شناختی)

چکیده: وام‌گیری واژگانی رایج‌ترین نوع وام‌گیری زبانی است. پدیده وام‌گیری موضوعی است که در چندین رشته، از جمله اصطلاح‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی تاریخی، به آن پرداخته می‌شود. در این مقاله، وام‌گیری واژگانی در چارچوب رده‌شناسی زبان بررسی و پژوهش‌های سوادش، تریون، مویس‌کن، فیلد، گورلاخ و هاسپلمت معرفی می‌شود. در همه این پژوهش‌ها، وام‌واژه‌ها در بیش از دو زبان مطالعه شده و، با الهام از اهداف رده‌شناسی زبان، اشتراک‌ها یا جهانی‌های پدیده وام‌گیری واژگانی در زبان‌های مختلف ارائه شده است. شماری از این مشترکات یا گرایش‌های حاکم در چارچوب جهانی‌های آماری، با ذکر تعداد و درصد، بیان شده است. ارائه سلسله‌مراتب وام‌گیری واژگانی در شماری از پژوهش‌ها چشم‌انداز وام‌گیری واژگانی را مشخص می‌کند. براین اساس، زبان‌ها از مقوله اسم بیشتر وام می‌گیرند. بعد از اسم، وام‌گیری صفت و آنگاه فعل قرار دارد. علاوه بر سلسله‌مراتب وام‌واژه‌ها، مشخص کردن حوزه‌های معنایی آنها نیز از دستاوردهای نگرش رده‌شناسی در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: وام‌گیری، وام‌گیری واژگانی، وام‌واژه، جهانی‌های وام‌گیری، سلسله‌مراتب وام‌گیری

۱ مقدمه

وام‌گیری یا قرض‌گیری^۱ از فرایندهای رایج در تحول زبان است. زبان‌ها، در گذر زمان و در برخورد با زبان‌های دیگر، عناصری را وارد نظام خود می‌کنند. به بیان دیگر، وام‌گیری زبان‌ها از یکدیگر پدیده‌ای کاملاً طبیعی است که همه زبان‌های زنده دنیا از آن بهره می‌برند و یکی از راه‌های گسترش زبان به حساب می‌آید. به گفته دیوید کریستال (۲۰۱۰: ۴۸)، براساس فرهنگ آکسفورد، زبان انگلیسی، در طول هزارسال تحول، از ۳۵۰ زبان دیگر وام گرفته است.

پدیده وام‌گیری، به لحاظ موضوعی، در چندین رشته مطالعه می‌شود. اولین رشته‌ای که به مطالعه وام‌گیری می‌پردازد زبان‌شناسی تاریخی است که در آن سیر تحول زبان مطالعه می‌شود. وام‌گیری در گذر تاریخ زبان روی می‌دهد و هم بر جهت تحول زبان و هم بر محتوای آن تأثیر می‌گذارد. آنتیلا^۲ در کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی*، در بخش تحول زبان، فصلی را به وام‌گیری اختصاص داده است و آن را تحولی برونی تلقی کرده است. وی در آغاز فصل می‌نویسد: «وام‌گیری بازتاب برخورد زبان‌ها و فرهنگ‌هاست و از این جهت مطالعه آن برای مورخان و مردم‌شناسان اهمیت دارد» (آنتیلا ۱۹۷۲: ۱۵۴).

دومین حوزه‌ای که مطالعه وام‌گیری در قلمرو آن قرار می‌گیرد جامعه‌شناسی زبان است. این رشته به تأثیر عوامل اجتماعی بر زبان می‌پردازد و از آنجا که وام‌گیری نتیجه پدیده‌هایی اجتماعی، مانند مهاجرت و جنگ و برتری سیاسی و انقلاب علمی و تحولات فناوری، است، مورد مطالعه جامعه‌شناسان زبان قرار می‌گیرد. مدرسی در کتاب *جامعه‌شناسی زبان*، در فصل «برخورد زبان‌ها»، می‌نویسد: «قرض‌گیری زبان روندی عام است

(۱) borrowing. کریستال (۲۰۱۰: ۳۴۰) معتقد است وام‌گیری / قرض‌گیری واژه مناسبی برای توضیح این فرایند نیست، چراکه وام و قرض را باید پس داد، اما در این مورد چیزی برگردانده نمی‌شود. گفتنی است که رابینز (۱۹۸۹: ۳۵۵) هم این اصطلاح را نامناسب می‌داند.

2) R. Anrila

که در مقولات گوناگون زبان به اشکال مختلف اتفاق می‌افتد» (مدرسی ۱۳۸۷: ۶۴). از این جهت، وام‌گیری زبانی را به انواع واژگانی و واجی و دستوری تقسیم کرده‌اند.

واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی سومین حوزه مطالعه پدیده وام‌گیری، به‌ویژه نوع واژگانی آن است. از آنجا که این زمینه تخصصی با برنامه‌ریزی زبان سروکار دارد و در عین حال، تثبیت وام‌واژه‌ها یا معادل‌یابی در برابر آنها در حیطة فعالیت آن قرار دارد، به‌گونه‌ای کاربردی به پدیده وام‌گیری می‌پردازد. به همین دلیل، در اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان (۱۳۸۸، ص ۴۰) نیز به وام‌گیری توجه شده است. وام‌گیری واژگانی فارسی از عربی نمونه برجسته این نوع وام‌گیری است. به گفته صادقی (۱۳۸۷: ۵۳)، در قرن چهارم، ۲۵ درصد از واژگان فارسی واژه‌های عربی بود. در قرن ششم، این میزان به ۵۰ درصد رسید و تاکنون نیز تقریباً این میزان بدون تغییر مانده است.

وام‌گیری واژگانی، یعنی قرض‌گیری کلمات، در مقایسه با دیگر انواع وام‌گیری بسامد و اهمیت بیشتری دارد و فرایندی است که بر ذخیره واژگانی زبان می‌افزاید؛ از این رو، در حوزه صرف (ساخت‌واژه)، در کنار ترکیب و اشتقاق و تصریف و اختصارسازی، مطالعه می‌شود. هاسپلمت^۱ در کتاب صرف می‌نویسد:

در شماری از زبان‌ها، بخش عظیمی از واژه‌ها قرضی است و تنها افراد تحصیل‌کرده آن زبان به قرضی بودن آنها وقوف دارند. واژه‌های قرضی معمولاً مرکب‌اند، اما اگر واژه مرکبی به صورت منفرد وارد زبانی شود، معمولاً ساختار صرفی آن نادیده گرفته می‌شود. مثلاً واژه اورانگوتان^۲، که از مالایی وارد انگلیسی شده، مرکب از orang (مرد) و utan (جنگل) است، اما انگلیسی‌زبانان آن را واژه‌ای ساده تلقی می‌کنند. ولی اگر زبانی تعداد زیادی واژه مرکب از زبانی وام‌گیرد، امکان دارد ساخت‌های صرفی زبان مبدأ در زبان مقصد زایا شود (هاسپلمت ۲۰۰۲: ۱۰۷).

شاهد این ادعای هاسپلمت وام‌گیری فارسی از عربی است که شماری از صورت‌های صرفی عربی، به‌رغم تفاوت‌های ساختاری دو زبان، در فارسی به‌کار می‌رود؛ مانند «یت» عربی که به واژه‌های فارسی افزوده شده و واژه‌های منیت و دوئیت را ساخته است.

1) M. Haspelmath
2) orangutan

با توجه به مطالب گفته‌شده، صرف چهارمین حوزه‌ای است که به وام‌گیری می‌پردازد.

وام‌گیری حتی ممکن است در رشته‌هایی چون روان‌شناسی هم مطرح باشد. در این حوزه می‌توان تمایل سخنگویان زبان و عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رد یا پذیرش عناصر خارجی را بررسی کرد.

پنجمین حوزه، که در مقایسه با زبان‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی زبان و صرف در مطالعه وام‌واژه‌ها متأخر محسوب می‌شود، رده‌شناسی زبان^۱ است. رده‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی است که به مطالعه موارد اشتراک و افتراق زبان‌ها می‌پردازد. به گفته بیکل^۲ (۲۰۰۷: ۲۳۹)، هدف از رده‌شناسی در عصر حاضر تبیین تنوع زبانی براساس نظریه است. او رده‌شناسی نوین را حوزه‌ای می‌داند که در آن، برای رصد شباهت‌ها و تفاوت‌های میان‌زبانی، متغیرهایی مطرح می‌شود. رده‌شناسی زبان، به‌طور کلی، مورد علاقه بسیاری از مکاتب زبان‌شناسی و از جمله مکتب چامسکی است (میرال^۳ و جیل^۴ ۲۰۰۶: ۲۶)، اما، در حال حاضر، رده‌شناسی تجربی رویکرد غالب و تأثیرگذار به‌شمار می‌رود. رده‌شناسی تجربی به روش استقرایی به مطالعه زبان‌ها می‌پردازد و برآن است که از میان شش هزار زبان ثبت‌شده دنیا (همان‌جا) نمونه‌های مناسبی را برگزینند و پدیده‌های زبانی را در گستره وسیعی مطالعه کنند.

۲ دستاوردهای رده‌شناختی در وام‌گیری واژگانی

مطالعه تطبیقی وام‌گیری واژگانی، یعنی بررسی وام‌واژه‌ها در چندین زبان، در زبان‌شناسی تاریخی سابقه دارد و شواهد آن در پژوهش‌های این حوزه یافت می‌شود.

1) linguistic typology
2) B. Bickel
3) R. Mairal
4) J. Gill

به عبارتی، نگرش رده‌شناختی، به‌ویژه در مطالعه وام‌واژه‌ها، پیش از رونق رده‌شناسی نوین وجود داشته است. در ادامه، به چند پژوهش قابل‌اعتنا اشاره می‌شود و دستاوردهای هاسپلمت با تفصیل بیشتری شرح داده می‌شود. هدف اصلی از این نوع پژوهش‌ها به دست دادن مشترکات پدیده وام‌گیری واژگانی و به بیانی دیگر، شناسایی ویژگی‌های مشترک وام‌واژه‌ها در زبان‌های مختلف جهان است.

۱-۲ سوادش و لیز

موریس سوادش^۱ (۱۹۰۹-۱۹۶۷م) و رابرت لیز^۲ (۱۹۲۲-۱۹۹۶م)، در دهه ۱۹۴۰، فهرست واژه‌های پایه^۳ را در زبان انگلیسی ارائه کردند. تعداد آنها نخست دویست واژه بود و سپس به یک‌صد واژه تقلیل پیدا کرد. بنابه ادعای سوادش و لیز، واژه‌های پایه در برابر وام‌گیری مقاوم هستند و مشمول وام‌گیری نمی‌شوند، یعنی نه می‌توان آنها را وام داد و نه می‌توان آنها را وام گرفت. البته هاسپلمت مدعی است که فهرست سوادش مبتنی بر شمّ زبانی است و پشتوانه پژوهشی سازمان‌یافته‌ای ندارد (هاسپلمت ۲۰۰۳: ۲).

۲-۲ تریون

پژوهش رده‌شناختی دارل تریون^۴ در چارچوب ویرایش فرهنگ تطبیقی آسترونزیایی^۵ (۱۹۹۵) ارائه شد. وی، در این پژوهش، اطلاعات ۱۳۰۰ معنای واژگانی^۶ هشتاد زبان آسترونزیایی را

1) M. Swadesh

2) R. Lees

3) basic words

4) D. Tryon

5) *Comparative Austronesian Dictionary*

۶) اصطلاح معنای واژگانی (lexical meaning) به تفاوت زبان‌ها در بیان مفاهیم مربوط می‌شود و در پژوهش‌های تطبیقی به‌کار رفته است. مثلاً در زبان فارسی، خوردن هر دو معنای eat و drink انگلیسی را دارد، یعنی ما هم غذا را می‌خوریم و هم آب را؛ درحالی‌که واژه نوشیدن را هم داریم که به معنای drink است. ممکن است در زبانی، خوردن و نوشیدن لفظ واحدی داشته باشند و حتی ممکن است برای این دو معنای واژگانی، بیش از دو واژه داشته باشند.

به دست داد و منشأ آنها را نیز مشخص کرد. این ۱۳۰۰ معنا را از مجموعه فرهنگ بین‌قاره‌ای^۱ استخراج کرد. وجه تمایز پژوهش تریون با دیگر پژوهش‌ها این است که اطلاعات آماری وام‌واژه‌ها در زبان‌های موردنظر را در چارچوب حوزه‌های معنایی ارائه می‌کند (هاسپلمت ۲۰۰۳: ۱۰). شماری از این حوزه‌ها عبارت‌اند از اعضای بدن (۲/۳۳)^۲، هیجانان (۴/۵۹)، کمیت و عدد (۵/۳۶)، حرکت و حمل‌ونقل (۵/۹۵)، ذهن و تفکر (۹/۷۰)، روابط سیاسی و اجتماعی (۱۲/۰۴)، موسیقی و صوت و گفتار (۱۲/۴۷) جنگ و شکار (۱۳/۱۶)، تجارت و مالکیت (۱۳/۶۴)، زمان (۱۷/۲۸)، خانه و میلمان (۲۰/۲۶)، حقوق (۲۱/۰۹)، جانوران (۲۲/۹۹)، غذا و نوشیدنی و آشپزی (۲۳/۱۶)، مذهب و باور (۲۸/۲۲) و پوشاک و تزیینات فردی (۳۱/۸۳).
به این ترتیب، اگر نتایج پژوهش تریون را تعمیم دهیم، مشخص می‌شود که زبان‌ها واژه‌های مربوط به اعضای بدن و هیجانان و کمیت و عدد را کمتر از واژه‌های حوزه پوشاک و غذا وام می‌گیرند.

۲-۳ مويس کن^۳

مویس کن، در سال ۲۰۰۰، از طریق رده‌شناسی نوین به مطالعه وام‌واژه‌ها پرداخت. او، به شیوه رده‌شناسان، ترتیب وام‌واژه‌ها را با استفاده از نشانه‌های «<» و «>» که در زبان‌شناسی تاریخی هم به کار می‌رود، مشخص کرد. سلسله‌مراتب پیشنهادی او در وام‌گیری واژگانی در ده مقوله دستوری به شرح زیر ارائه شده است (مویس کن ۲۰۰۰: ۷۴، به نقل از کویوسکایا-تام^۴ ۲۰۱۱: ۵۷۲):

۱) آی. دی. اس (Intercontinental Dictionary Series: IDS) طرح پژوهشی بلندمدتی که مری ریچی کی (Mary Ritchie Key) از دانشگاه کالیفرنیا - اروین، آن را بنیان گذاشت. هدف از آن انتشار الکترونیکی دادگان واژگانی شمار زیادی از زبان‌های دنیاست که زبان فارسی نیز یکی از آنهاست.
۲) اعداد داخل دوکمان نشان‌دهنده درصد وام‌واژه‌ها در واژه‌های هر حوزه معنایی است. به بیان دیگر، عدد ۲/۳۳ برای «اعضای بدن» به این معنی است که در زبان‌های مورد بررسی ۲/۳۳ درصد واژه‌های مربوط به «اعضای بدن» وام‌واژه است و بقیه، یعنی ۹۷/۶۷ درصد، بومی هستند.

3) P. Muysken
4) M. Kopyjevskaja-Tam

اسم < صفت < فعل < حرف اضافه < حرف ربط همپایه < کمیت‌نما < معرف <
ضمیر منفصل < ضمیر متصل < حرف ربط ناهمپایه^۱

بدیهی است زبان‌هایی که فاقد عناصری چون ضمیر متصل‌اند بخش‌هایی از این سلسله‌مراتب درباره آنها صدق نمی‌کند. میرال و جیل حتی از زبان‌هایی نام می‌برند که صفت ندارند (میرال و جیل ۲۰۰۶: ۶۵).

سلسله‌مراتب مویس‌کن را می‌توان با استفاده از چهار مفهوم زمانی^۲، کمی^۳، استلزامی^۴ و احتمالی^۵ توضیح داد. این مفاهیم را هاسپلمت (۲۰۰۳: ۵) در تفسیر پژوهش فیلد^۶، که به آن اشاره خواهد شد، معرفی کرده است.

۲-۳-۱ استنتاج زمانی

در سلسله‌مراتب مویس‌کن سه عنصر اول به‌ترتیب عبارت‌اند از:

(۱) اسم؛

(۲) صفت؛

(۳) فعل.

با استفاده از استنتاج زمانی می‌توان گفت که اسم اولین عنصری است که از زبانی وارد زبان دیگر می‌شود. بعد از اسم، صفت و سپس فعل وام گرفته می‌شود. عناصری چون حرف ربط ناهمپایه (مانند «که») و ضمائر متصل (مانند «م») در آخرین مرحله وام‌گیری قرار دارند.

1) nouns > adjectives > verbs > prepositions > coordinating conjunctions > quantifiers > determiners > free pronouns > clitic pronouns > subordinating conjunctions.

2) temporal

3) quantitative

۴) implicational. معادل دیگر، و تاحدی جافتاده برای این واژه، «تلویحی» است. به نظر نگارنده، معادل «استلزامی»

روابط بین عناصر قبل و بعد نشانه «<» را بهتر بیان می‌کند؛ مثلاً در نمایش اسم < صفت < فعل، می‌توان گفت وجود وام‌واژه فعل در زبانی مستلزم این است که وام‌واژه‌های صفت و اسم هم در آن زبان یافت شوند.

5) probabilistic

6) F. Field

هاسپلمت (۲۰۰۳: ۵) می‌نویسد که سهولت وام‌گیری اسم در مقایسه با دیگر اجزای کلام مطلب جدیدی نیست. ویتنی^۱ (۱۸۸۱) و موراوچیک^۲ در (۱۹۷۸) و مایر-اسکاتون^۳ (۲۰۰۲) به این نکته اشاره کرده‌اند. فان هاوت^۴ و مويس-کِن (۱۹۹۴) در این باره می‌نویسند که عامل مهمی که انگیزه اصلی وام‌گیری واژگانی است افزایش قدرت ارجاعی زبان است و از آنجا که ارجاع عموماً با اسم صورت می‌گیرد، اسم به سهولت قرض گرفته می‌شود (همان‌جا). طباطبائی (۱۳۸۸: ۱۵۷) نیز نکته تأمل‌برانگیزی را درباره وام‌گیری اسم و صفت در فارسی مطرح می‌کند. به گفته وی،

مقایسه درصدی اسم‌ها و صفت‌های قرضی نشان می‌دهد که زبان فارسی بیشتر به اسم احتیاج دارد تا به صفت. دلیل آن هم این است که فارسی، با وام گرفتن اسم، صفت‌های مورد نیاز خود را با استفاده از فرایندهای واژه‌ساختی خود می‌سازد. برای مثال، «تلگراف» را وام می‌گیرد، اما صفت آن، «تلگرافی»، را خود می‌سازد.

۲-۳-۲ استنتاج کمی

استنتاج کمی به تعداد وام‌واژه‌ها اشاره دارد. بر اساس سلسله‌مراتب مويس-کن، یعنی (۱) اسم، (۲) صفت، (۳) فعل می‌توان نتیجه گرفت که تعداد اسم‌هایی که از زبانی وام گرفته می‌شود از دیگر مقوله‌های دستوری بیشتر است. بررسی پیکره کوچکی از وام‌واژه‌هایی که از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است مشخص می‌کند که به‌طور متوسط، در مقابل هر ۶۵ واژه که عمدتاً اسم هستند، تنها چهار یا پنج صفت وام گرفته شده است (سلیمی‌نژاد ۱۳۹۱: ۲۴۶). بعد از اسم، به ترتیب، صفت و فعل بیشترین تعداد وام‌واژه را به خود اختصاص می‌دهند. با نگاه به دیگر اجزای سلسله‌مراتب، می‌توان گفت که کمترین تعداد به ترتیب متعلق به حرف ربط ناهمپایه و ضمائر متصل و ضمائر

1) W. Whitney

2) E. Moravcsik

3) C. Myers-Scotton

4) P. Van Hout

منفصل است. ممکن است بر این استنتاج خرده گرفته شود و آن را به دلایل زیر دربردارنده نکته جدیدی تلقی نکنند:

(۱) در همه زبان‌ها تعداد اسامی بیشتر از تعداد صفت و فعل است. در پژوهش‌های پیکره‌ای طباطبائی (۱۳۸۸: ۷) که ۳۲۰۰۰ واژه فارسی را دربرگرفته است، تعداد اسامی بسیط ۱۰۵۰۰ و صفات ۲۴۰۰ است و تعداد وام‌واژه‌های اروپایی اسم حدود ۱۵ درصد و صفت ۴ درصد است.

(۲) تعداد کمتر حروف و ضمایر به دلیل بسته بودن فهرست آنهاست، درحالی‌که اسم و صفت و فعل فهرست باز هستند؛ و روشن است که تعداد عناصر فهرست باز بیشتر از عناصر فهرست بسته است و در وام‌گیری نیز زبان تمایل دارد بیشتر بر عناصر فهرست باز خود بیفزاید.

این نکات درست است، اما از ارزش دستاورد مویس‌کن کاسته نمی‌شود. وی ترتیب تک‌تک عناصر فهرست باز و فهرست بسته را به دقت مشخص کرده است و به این بیان کلی اکتفا نکرده است که وام‌واژه‌ها عمدتاً از عناصر فهرست باز هستند.

۲-۳-۳ استنتاج استلزامی

نتیجه سومی که از سلسله‌مراتب مویس‌کن می‌توان گرفت این است که اگر در زبان الف وام‌واژه‌ای از زبان ب در مقوله دستوری صفت یافت شد، حتماً در زبان الف وام‌واژه اسم از زبان ب وجود دارد و همین‌طور اگر وام‌واژه فعل وجود داشته باشد، وام‌واژه صفت و اسم هم یافت می‌شود.

به زبان منطقی، ترتیب

اسم < صفت < فعل

اقتضای ترکیب شرطی «اگر p، پس آنگاه q» را دارد؛ یعنی

اگر صفت، پس آنگاه اسم (صفت ← اسم)؛

اگر فعل، پس آنگاه صفت و اسم (فعل ← صفت و اسم).

۲-۳-۴ استنتاج احتمالی

آخرین نتیجه‌ای که می‌توان از سلسله‌مراتب مويس‌کن به دست آورد تفسیری است که نوعی قدرت پیش‌بینی به ما می‌دهد؛ به این معنی که در آینده احتمال وام‌گیری اسم بیش از صفت و فعل است و همین‌طور وام‌گیری اسم و صفت محتمل‌تر از فعل است. در نهایت نیز وام‌گیری عناصر انتهایی سلسله‌مراتب، مانند ضمائر متصل و منفصل، بسیار کم است.

۲-۴ گورلاخ

کریستال (۲۰۱۰: ۴۸) نگرش رده‌شناختی را در چارچوب پژوهش مانفرد گورلاخ^۱ (۲۰۰۱) با عنوان گسترش وام‌واژه‌ها مطرح می‌کند. گورلاخ، در فرهنگ انگلیسی بریتانیایی در اروپا^۲، وام‌واژه‌های انگلیسی را در شانزده زبان اروپایی از خانواده‌های مختلف زبانی به شرح زیر بررسی کرد:

از شاخه ژرمنی: از شاخه اسلاوی:

آلمانی (Ge)	بلغاری (Bg)
ایسلندی (Ic)	روسی (Rs)
نروژی (Nw)	کروواتی (Cr)
هلندی (Du)	لهستانی (Po)

از شاخه رومانیایی: از دیگر شاخه‌ها:

اسپانیایی (Sp)	آلبانیایی (Al)
ایتالیایی (It)	فنلاندی (Fi)
رومانیایی (Rm)	مجاری (Hu)
فرانسوی (Fr)	یونانی (Gr)

1) M. Görlach
2) Dictionary of European Anglicisms

وی وام‌واژه‌ها را در شانزده خانه نشان داد و نوع وام‌گیری را با سه رنگ خاکستری، سفید و سیاه به شرح زیر مشخص کرد:

(۱) خاکستری: واژه در زبان به کار نمی‌رود؛
 (۲) سفید: واژه در زبان عیناً به کار می‌رود؛
 (۳) سیاه: واژه کاربرد محدودی در زبان دارد.

برای نمونه، وضعیت پذیرش وام‌واژه computer (رایانه) در جدول زیر (کریستال ۲۰۱۰: ۴۸) نمایش داده می‌شود:

وضعیت پذیرش وام‌واژه computer (رایانه) در شانزده زبان براساس پژوهش گورلاخ

Ic	Nw	Po	Rs
Du	Ge	Cr	Bg
Fr	It	Fi	Hu
Sp	Rm	Al	Gr

گورلاخ جدول مشابهی برای وام‌واژه hijacker (هواپیماریا) ارائه کرده است که در آن مشخص می‌شود هیچ‌یک از این شانزده زبان آن را عیناً نپذیرفته‌اند و تنها در سه زبان کاربرد محدودی دارد. اما وام‌واژه manager (مدیر) در این زبان‌ها پذیرش زیادی داشته است. به این ترتیب، در باب جایگاه وام‌واژه‌ها سه الگو ارائه می‌شود:

- (۱) پذیرش غالب: manager (مدیر)؛
- (۲) پذیرش نسبی: computer (رایانه)؛
- (۳) پذیرش محدود: hijacker (هواپیماریا).

۲-۵ فیلد

فردریک فیلد (۲۰۰۲: ۳۸) در کتاب خود، با عنوان وام‌گیری زبانی در بافت دوزبانه، سلسله‌مراتب ساده‌تری در چهار مورد ارائه می‌کند:

فقره محتوایی < واژه نقشی < وند پیوندی < وند ترکیبی^۱

1) content item > function word > agglutinating affix > fusional affix

به نظر می‌رسد منظور از «فقره محتوایی» اقلامی از فهرست باز یا فهرست واژگانی باشد و سه مورد دیگر به فهرست بسته یا فهرست نقشی تعلق داشته باشند. «واژه نقشی» تکواژی است که معنی مستقلی ندارد و تنها ایفاگر یک نقش در زبان است، مانند «را» در زبان فارسی. «وند پیوندی» وندی است که معنی و نقش مشخصی دارد و شناسایی مرز آن با دیگر عناصر در کلمه به‌سادگی میسر است، مانند وند اشتقاقی «-مند» که معنای دارندگی دارد (در کلماتی چون دانشمند و ثروتمند) و به‌سادگی می‌توان مرز آن را با دیگر عناصر کلمه تعیین کرد. «وند ترکیبی» وندی است که بیش از یک نقش دارد و شناسایی مرز آن با دیگر عناصر کلمه به‌سادگی ممکن نیست. شاید بتوان تکواژ چندوجهی^۱ شناسه فعل در زبان فارسی را به تعبیر شقاقی (۱۳۸۹: ۷۲) نوعی وند ترکیبی دانست؛ مانند «م» در رفتم. در شناسه‌های فعلی، اطلاعات شخص و شمار مندرج است و تشخیص اینکه کدام بخش به شخص و کدام به شمار ارجاع می‌دهد ممکن نیست. البته تعیین مرز وند ترکیبی با واحدهای دیگر چندان مشکل نیست. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در وام‌گیری، تشابه ساختاری دو زبان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. روشن است که زبانی می‌تواند وند ترکیبی وام‌گیرد که با ساختمان صرفی آن هماهنگی داشته باشد.

۲-۶ هاسپلمت

اما مهم‌ترین پژوهش رده‌شناختی در زمینه وام‌واژه‌ها طرح رده‌شناسی وام‌واژه‌ها^۲ است که در مدت پنج سال (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸) در دانشگاه لایپزیک اجرا شد. مدیر طرح مارتین هاسپلمت، زبان‌شناس و رده‌شناس آلمانی و استاد سرشناس دانشگاه لایپزیک، بود. نتیجه این پژوهش دو جلد کتاب با عنوان وام‌گیری واژگانی از منظر زبان‌شناسی

1) portmanteau morpheme
2) loan word typology (LWT)

مرزگندرا^۱ است که ویرایش آن را هاسپلمت و تادمور^۲ (۲۰۰۹) برعهده داشته‌اند. هدف از این طرح یافتن جهانی‌های وام‌گیری واژگانی، به منظور پیش‌بینی گرایش زبان‌ها در اخذ واژه از زبان‌های دیگر بود.

هاسپلمت رویکرد سوادش را در این زمینه نمی‌پذیرد و آن را ذهنی و شهودی می‌داند. وی همچنین فهرست محدود واژه‌هایی را که سوادش با عنوان «واژه‌های پایه و وام‌گریز یا مقاوم به وام‌گیری» معرفی می‌کند، رد می‌کند.

در این پژوهش، چهل زبان بررسی شده و ۱۴۶۰ معنای واژگانی تحت آزمون قرار گرفته است، که ۱۳۰۰ مورد از مجموعه فرهنگ بین‌قاره‌ای گرفته شده و ۱۶۰ مورد با نظر پژوهشگران افزوده شده است.

از نظر پژوهشگران این طرح، وام‌واژه واژه‌ای است که زمانی از زبانی وارد زبان دیگر شده است. به این ترتیب، نه تنها mango (انبه)، که از سال ۱۹۵۱م از ژاپنی وارد انگلیسی شده، وام‌واژه است، بلکه واژه very (خیلی)، که در ۱۲۵۰م از زبان فرانسه، و واژه mill (آسیا)، که احتمالاً در ۱۹۶۲م از زبان لاتینی وارد انگلیسی شده است، وام‌واژه محسوب می‌شوند.

روشن است که شناسایی وام‌واژه‌هایی مثل وام‌واژه mill در انگلیسی، در زبان‌هایی که تاریخ طولانی مکتوبی ندارند، غیرممکن است. به این دلیل، برای اینکه داده‌ها قابل مقایسه شوند، وام‌واژه‌هایی با سابقه سیصد تا پانصد سال در نظر گرفته شده است. تمرکز طرح بر واژه‌هایی است که عیناً وارد زبان شده‌اند؛ به بیان دیگر، مواردی که مشمول گرده‌برداری شده‌اند مورد نظر نیستند. نتایج این پژوهش وام‌گیرنده‌ترین زبان‌ها را مشخص کرد.

انگلیسی از نظر میزان وام‌گیری، بین چهل زبان مورد پژوهش، رتبه چهارم را دارد. در این زبان، ۳۹ درصد وام‌واژه است. ژاپنی با ۲۹ درصد وام‌واژه در رتبه هشتم قرار دارد؛ و چینی ماندارینی فقط با ۲۵ وام‌واژه (یک درصد) وام‌گیرنده‌ترین زبان است.

1) *Lexical Borrowing in Cross-Linguistic Perspective*

2) U. Iadmor

وام‌پذیرترین واژه‌ها عبارت‌اند از کانگورو، زیتون، موتور، شتر، قهوه، تلویزیون، بانک، ابریشم، پلاستیک، صابون؛ و وام‌گریزترین واژه‌ها ضمائر شخصی «او»، «شما»، «ما»^۱ شامل^۱، «ما»ی غیرشامل^۲، کلمه‌های پرسشی «کجا» و «کدام» و «چرا»، صفت اشاره «این»، و قید «پشت» را شامل می‌شوند.

ابتکار جالب پژوهشگران این طرح سامان‌دهی وام‌واژه‌ها در حوزه‌های معنایی است. بر این اساس، حوزه‌های معنایی به سه درجه وام‌پذیری کم و متوسط و زیاد تقسیم شدند. حوزه‌های معنایی «دنیای نو» با ۷۰ درصد، «باورها و مذاهب» با ۴۳ درصد، و «پوشاک» با ۴۱ درصد از حوزه‌های بسیار وام‌پذیرند و واژه‌های نقشی با ۱۱ درصد از حوزه‌های کمتر وام‌پذیر است.

براساس مقولات هستی‌شناسانه، نتایج زیر به دست آمد:

- معنی اسمی^۳: ۳۱/۴ درصد

- معنی صفتی^۴: ۱۵/۸ درصد

- معنی فعلی^۵: ۱۴/۴ درصد

به این ترتیب، بنا به پیش‌بینی هاسپلمت، بسیاری از معانی وام‌گریز پایه‌ای که سوادش معرفی کرد، وام‌پذیرند. مقایسه نتایج این پژوهش با فهرست سوادش نشان می‌دهد که حدود ۱۴/۵ درصد از معانی پایه وام‌پذیر هستند. همچنین مشخص شد که هر واژه‌ای، حتی عناصر فهرست بسته، مانند ضمائر، ممکن است وام گرفته شود.

تعمیم آخر در چهارچوب سلسله‌مراتب (مقیاس) زیر در سطح مقولات فهرست باز زبان ارائه شده است:

اسامی ذات^۶ < صفات < افعال < قیدها

1) inclusive "we"
2) exclusive "we"
3) nominal meaning
4) adjectival meaning
5) verbal meaning

۶) اصطلاح به کاررفته fact noun است.

یعنی اسامی بیش از صفات و افعال و قیدها و پیش از آنها وام گرفته می‌شوند و قیدها آخرین مقوله فهرست باز در وام‌گیری هستند و تعداد آنها از سه مقوله دیگر کمتر است. نتیجه استلزامی این است که اگر زبانی، از زبان دیگر، فعل وام گرفته باشد، الزاماً صفت و اسم را هم وام گرفته است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هاسپلمت در سلسله‌مراتب وام‌گیری، عناصر فهرست بسته را نیاورده و، به عناصر فهرست باز، قید را هم افزوده است. در مجموع، می‌توان گفت که پژوهشگران می‌توانند، با به‌کارگیری رویکرد رده‌شناسانه در بررسی پدیده وام‌گیری واژگانی، تنها به ارائه فهرست‌های الفبایی بسنده نکنند و سلسله‌مراتب وام‌واژه‌ها را برحسب مقوله دستوری یا حوزه معنایی نمایش دهند و در نهایت، تصویر روشنی از وام‌گیری واژگانی به دست دهند.

منابع

- سلیمی‌نژاد، محمد (۱۳۹۱). بومی‌سازی وام‌واژه‌های فرانسه در زبان فارسی براساس نظریه بهینگی، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- شقایقی، ویدا (۱۳۸۹). مبانی صرف، تهران: سمت.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۸۷). «تأثیر زبان عربی بر آواهای زبان فارسی»، نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی، زیر نظر حسن حبیبی، به کوشش حسن قریبی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- طباطبائی، علاء‌الدین (۱۳۸۸). ساختمان واژه و مقوله دستوری (تشخیص مقوله دستوری واژه‌ها براساس ملاک‌های صرفی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اصول و ضوابط واژه‌گزینی، همراه با شرح و توضیحات (۱۳۸۸)، ویرایش سوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Anttila, R. (1972), *An Introduction to Historical and Comparative Linguistics*, New York: Macmillan.

- Bickel, B. (2007), "Typology in the 21st Century: Major Current Developments", *Linguistic Typology*, No. 11, pp. 239-251.
- CRYSTAL, D. (2010), *The Cambridge Encyclopedia of Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Field, F. (2002), *Linguistic Borrowing in Bilingual Contexts*, Amsterdam: John Benjamins.
- HASPELMATH, M. (2002), *Understanding Morphology*, London: Arnold.
- (2003), "Loanword Typology: Steps toward a Systematic Cross-Linguistic Study of Lexical Borrowability", retrived from <https://www.academia.edu>.
- HASPELMATH, M. and U. TADMOR (eds.) (2009), *Lexical Borrowing in Cross-Linguistic Perspective*, 2 vols. Berlin: Mouton de Gruyter.
- КОРІЈЕВСКАЈА-ТАМ, М. (2011), "Linguistic Typology and Language Contact", J. J. Song (ed.). *The Oxford Handbook of Linguistic Typology*, Oxford: Oxford University Press, pp. 568-590.
- MAIRAL, R and J. Gil. (2006), *Linguistic Universals*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Robins, R.H. (1989), *General Linguistics*, 4th edition, London: Longman.
- TRASK R.L. (2000), *The Dictionary of Historical and Comparative Linguistics*, Edinburgh: Edinburgh University Press.